



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۶/۲۸

م. اسحاق نگارگر

لا تر اوسه یې ماغزه په قرار ندی

چا چې ما سره ویشلتی سر په سنگ دی

(خوشال خان خټک)

سیاستمداری که ضعف خود را بر سر بازار جهان اعلام می کند هنوز چیزی از سیاست نفهمیده است.

در سی و شش سال که از مصیبت های کشور ما گذشت نه تنها از دیدگاه اقتصادی بیچاره و ذلیل شدیم و دست احتیاج ما به سوی همه جهان دراز شد که از دیدگاه سیاسی هم سیاست و کشورداری را شاهد بازاری ساختیم و کار سیاست ما به دست کسانی افتاد که از سیاست فقط دست برافراشتن و شعار دادن را می فهمیدند و بس.

معمولاً پارلمان های جهان دو نوع جلسه دارند یکی جلساتی که در آن پلان های کاری و اندازه پیشرفت یا دستاورد های ارگان ها یا وزارت های مختلف کشور مطرح می شود و یکی جلساتی که در آن راز های پشت پرده نظامی و امنیتی یا مربوط به منافع علیای کشور مطرح می شود.

جلسات نخست اگر علنی هم باشد زیانی به کشور نمی رساند اما جلسات نوع دوم حتماً باید مخفی بماند تا مورد استفاده دشمنان قرار نگیرد. ولی ما که نه وزیر سیاستمدار داریم و نه وکیل سیاستمدار. وکیلان ما کسانی هستند که اگر کشور شان را آب هم بپزد همین که صدای خود را از وسایل آگاهی های همگانی بشنوند همانند کودکی که از صدای جرنگانه به شادمانی و هیجان بیفتد شادمان می شوند و به این و آن تلفون می کنند که کسی دُرُفشانی های شان را شنیده است یا خیر؟

اینان دیگر غم راز و رازداری را ندارند. در "بی. بی. سی." خواندم که رئیس امنیت ملی در جلسه شورا سخت ابراز ضعف و بینوایی نموده و حتی گفته است که شش ماه آینده در سرنوشت افغانستان تعیین کننده است. اگر او می گفت که شش ماه آینده در سرنوشت حکومتی که او برایش کار می کند تعیین کننده است و ممکن سیر حوادث گلیم این حکومت را برچیند گرچه همان هم در یک جلسه علنی شورا محلی از اعراب ندارد اما به هر حال مردم افغانستان به آمد و رفت حکومت ها عادت کرده اند و چون بدبختانه این آمد و رفت سیری از سوی بد به بدتر بوده است این هم اثری چندان بر کار و کسب مردم ندارد. اما وقتی رئیس امنیت از سرنوشت افغانستان می گوید موضوع فرق می کند. به استثنای جنگ حصول استقلال اردوی افغانستان هیچ وقت در دفاع از موجودیت افغانستان نقش قاطعی نداشته است. روس ها تجاوز کردند و اردو به استثنای یک عده افراد منفرد در صف روس ها بر ضد مردم جنگیدند ولی مدافع افغانستان همیشه مردم افغانستان با کارد و چاقو یا داس و تبر خود بوده اند و این مردم در سی و شش سال

گذشته رنج فراوان کشیده اند اما اگر مسأله موجودیت کشور شان مطرح شود شجاعت این مردم با همان نان جوار و توت و تلخان شان گره خورده است.

من می خواهم به جناب رئیس امنیت افغانستان بگویم که این شیوه سخن گفتنش نه تنها دشمنان افغانستان را به این خیال خام می اندازد که حریف درختی است که ریشه هایش سست گردیده است و مدافعتش اعتماد به نفس را از دست داده اند بلکه در ذهن دوستان نیز خار تشویش و اضطراب می کارد اما من قبول دارم که قلب آسیا بیمار است، اردوی کاری ندارد، سلاح های را که قبلاً داشت ندارد و ساختمانی است که اگر معاشش را دیگران ندهند از سر تا پا سقوط می کند اما می خواهم به همه همسایگان در شمال، جنوب و شرق و غرب با صراحت لهجه اعلام نمایم که تجزیه افغانستان زلزله ای است که آسیا را می لرزاند و سبب تجزیه همسایگان مغرورش نیز می شود. خواجه عبدالله انصار گفته است:

"آنها که خدای براندازد با درویشان دراندازد."

مردم افغانستان جز فقر و بیچارگی چیزی ندارند که از دست بدهند اما با تجزیه افغانستان خاری که کاشته می شود برای سال های دراز خواب راحت و ثروت های بادآورد کشور های منطقه را نیز برهم خواهد زد و برباد خواهد داد. گرچه نه شورا به خواهش می ارزد و نه دولت اما چون با انواع دشمنان روبرو هستیم می خواهم از شورا و دولت خواهش کنم که هنگام بحث بر اوضاع نظامی و امنیتی کشور جلسات شورا را مخفی بر گزار کنند و این رازها را بر سر دایره نریزند و از آن آهنگ آلا شاکو کو جان درست نفرمایند.

و اما با اعتماد راسخ بر مردم افغانستان به دشمنانی که امنیت این کشور را تهدید می کنند می گویم:

تیت می مه بوله غورخنگ را باندې مه کړه

زه په دې افتادګۍ کی لوی ګړنگ یم

با عرض حرمت ۲۸ جون ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر



این یاد داشت را من در سال ۲۰۱۵ نوشته بودم و حالا همین قدر میگویم که تجزیه افغانستان ممکن نیست. مردم افغانستان یا باهم مانند برادران صمیمی با هم و در کنار هم می آیند و یک ملت نیرومند و از غوره تنگ قومیت و مذهب بیرون می آیند و یا هم در دعوای بیهوده می جنگند و دست نگر کمک و احسان دیگران میمانند. این گیلان ناشکن اگر بشکند هر قریه اش به کشور مستقلی بدل خواهد شد که این همان ملوک الطوائفی است. نگارگر ۲۸ جون ۲۰۱۸